

دکتر وحید نیا

ارفع الدوله

و

## خانۀ اصفهان در اروپا

میرزا رضاخان ارفع الدوله مشهور به پرنس ارفع و متخلص بدانش مردی ادب پرور و عهده دار مشاغل حساس کشوری بود . وی بسال ۱۲۷۰ هجری قمری در دیار تبریز مردخیز از مادر بزاد . تحصیلات ابتدائی و متوسطه و مقدمات صرف و نحو را در مکاتب و مدارس مختلف آن زمان بیایان رسانید و برای اكمال تحصیلات خود و فرا گرفتن زبان خارجه به خارجه رفت و پس از آن در دستگاه دولتی وارد بخدمت شد . پرنس ارفع راجع به زادگاه و مراحل تحصیلی خود چنین سروده است :

از سال یکهزار و دو صد بود بیشتر	هفتادسال کاخترمن گشت جلوه گر
تبریز مولد است مرا والدم حسن	اسم رضا ز قرعه درآمد بفال من
شش سال داشتم که بمکتب روان شدم	در چارده بمدرسه از طالبان شدم
از نحو و صرف و هیئت و از منطق و بیان	از فقه و از اصول همی خواندم آن زمان
تحصیل گشت علم کلام و حساب و خط	تا هیجده گذشت مرا وقت از این نمط
دانستم از زبان فصاحت بیان شرق	ترکی و فارسی و عرب را بدون فرق



مرحوم میرزا رضاخان ارفع الدوله ( دانش )

نشریه دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

تقدیر آسمان بکشید آنگهم عنان  
 این مرزوبوم بر همه اسلاف و جدمن  
 آنجا دو ماه مانده گرفتیم ره سفر  
 سال نود اواخر ذی الحجة الحرام  
 عزمم چه بود کسب کمالات خارجه  
 کردم شروع، درس زبان فرانسه را  
 بودم دو سال در پی تحصیل این علوم  
 آمد طبیب و گفت پی حفظ عافیت  
 تا هشت سال ساعی بودم علی الدوام  
 از یمن بخت کوه همه جا بود یاورم  
 غیر از زبان خارجه و صرف و نحو آن  
 از علمها حقوق ملل خوانده‌ام بسی  
 تاریخ عالم و فن فیزیک و شیمیا  
 بگذشت سی زعر و درخشید کوکیم  
 شاه زمانه ناصرالدین شاه قدردان  
 تا سایه مبارکش افتاد بر سرم  
 نام خانوادگی پرنس ارفع را میرزا ملکم خان ناظم الدوله معین کرده  
 و در نامه‌ای که در غره رمضان ۱۲۹۹ باو نوشته چنین یاد آور شده :

«آقا میرزا رضاخان :

فدایت شوم شما که از اغلب دقایق ترقیات عهد ما اطلاعات عمیق  
 حاصل کرده‌اید البته تا بحال خوب ملتفت شده‌اید که علاوه بر اسم شخصی هر  
 کسی باید يك اسم خانواده هم داشته باشد . لزوم و محسنات این اسم خانواده  
 را از برای شما شرح نمیدهم . همینقدر میگویم که يك اسمی از برای خانواده  
 خود انتخاب بکنید و بملاحظه آن کمالات مختلف که در نهایت خوشوقتی در

وجود شما مشاهده میکنم خیلی مناسب می بینم که اسم خانواده خود را دانش قرار بدهید. بعد از این من همیشه اسم شما را میرزا رضاخان دانش خواهم نوشت و انشاءالله سرکار شما هم این اسم شریف را بهر ملاحظه روز بروز محترم تر خواهید ساخت.» بعد ها چون ارفع الدوله بکار شعر و شاعری نیز پرداخت کلمه «دانش» را تخلص شاعری خود نیز قرارداد.

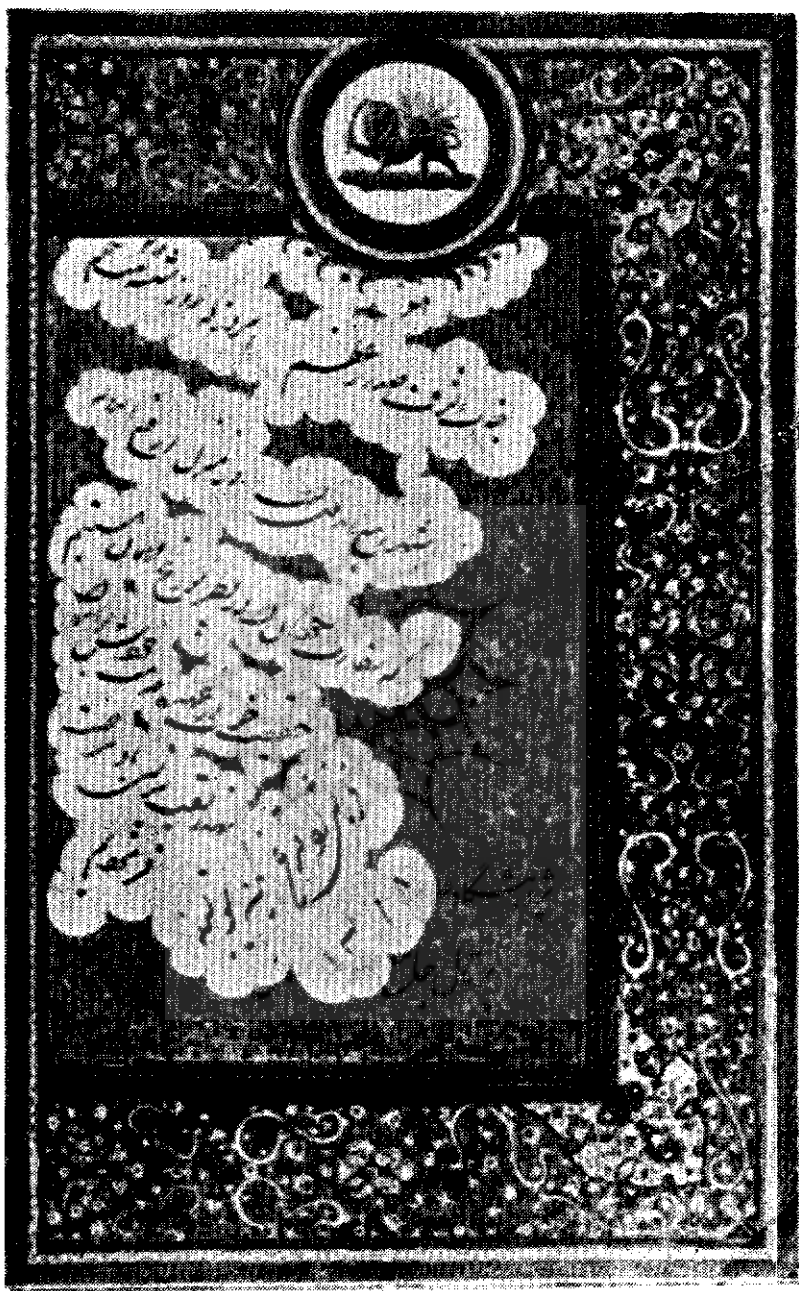
پرنس ارفع کار خود را از ترجمی سفارت ایران در عثمانی شروع کرد و بالاخره بمقام سفارت کبری رسید. در سال ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ هجری قمری وزیر مختار ایران در روسیه شد و پس از فوت ناصرالدین شاه از طرف مظفرالدینشاه در همین سمت مستقر گشت. در سال ۱۳۱۴ بسمت ایلچی مخصوص و وزیر مختار دولت ایران در دربار سوئد و نروژ مفتخر گشت و در ۱۳۱۸ بسمت سفیر مخصوص در دربار عثمانی مأمور شد و در ۱۳۱۹ برای تبریک تاجگذاری آلفونس سیزدهم پادشاه اسپانیا بسمت سفیر فوق العاده بآن دیار رهسپار شد. در سال ۱۳۲۲ با حفظ مقام سفارت ایران در ترکیه - تصدی سفارت ایران در روسیه را نیز بعهده داشت و پس از فوت مظفرالدینشاه در غره ذی الحججه ۱۳۲۴ سفارت او از طرف محمدعلیشاه تنفیذ گردید.

پرنس ارفع در مسافرتها ناصرالدینشاه و مظفرالدینشاه بارویا غالباً در رکاب آنها بوده و پذیرائیهای شایانی از پادشاهان قاجار نموده است.

ناصرالدینشاه در سفر خود بفرنگستان منشور زیر را به دستخط خود به ارفع الدوله داده است:

«نظر برضای خاطر همایونی از حسن خدمات میرزا رضاخان جنرال آجودان حضور و اینکه در این مسافرت فرنگستان همیشه مشغول خدمت بوده است به تصویب جناب امین السلطان وزیر اعظم مشارالیه را باعطای یک قبضه شمشیر مرصع از درجه چهارم مفتخر و سرافراز فرمودیم که باکمال دلگرمی مشغول خدمت در این شهر بشود. ۱۳۰۶».

مظفرالدینشاه نیز در سفر دوم خود بفرنگستان دستخط های زیر را صادر کرده است:



دستخط صادره از جانب مظفر الدین شاه قاجار  
نشریه دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

«جناب اشرف صدراعظم امروز که روز شنبه بیست و پنجم شهر ربیع الاول است در منزل ارفع الدوله که سفارت خودمان است در پیربورغ مهمان هستیم. حقیقت خوب از عهده خدمت خودش برآمده است. لهذا لقب پرنس باو مرحمت فرمودیم. فرمانش را قدغن کنید بنویسد ۱۳۱۸.»

### هو

«جناب اشرف صدراعظم - از آنجائیکه ما خودمان ارفع الدوله را به کرات امتحان کرده ایم و حقیقت نوکر صدیق و لایقی است و از خدمات او راضی هستیم لهذا يك حلقه انگشتری الماس که مخصوص خودمان است باو مرحمت کردیم. فی شهر رجب ۱۳۲۳»

پرنس ارفع مدالها و نشانهای مختلفی نیز بشرح زیر از دولتهای خارجه دریافت داشته است و هم اکنون کلیه آنها درخانه اصفهان در موناکو موجود است.

از دولت عثمانی ۹ قطعه مدال و نشان، از دولت روسیه ۹ قطعه از ایتالیا يك قطعه، از فرانسه ۲ قطعه، از بلژیک ۳ قطعه، از دولت اسپانیا ۲ قطعه، از دولت رومانی، امیربخارا و پادشاه حبشه هر کدام يك قطعه، از دولت اطریش ۲ قطعه از دولت انگلیس يك قطعه نشان ویکتوریا، از دولتهای باویر، ورتمبرگ، بادین باد، سوئد و صرب هر کدام يك قطعه.

پرنس ارفع در ایام اقامت خود در استانبول اقدام به چاپ دیوان اشعار خود نمود و با خطی بسیار زیبا و کاغذی اعلا آنرا چاپ و منتشر ساخت. البته در پهنه شعر و شاعری چندان قویدست نبود لیکن در اینراه زحمت فراوان کشید. دیوان او بیش از هزار بیت بنظر رسید. دیوان شعر پرنس بنام گوهر خاوری در رمضان ۱۳۲۳ بخط ابوالقاسم نامی که نایب سفارتکبرای ایران در اسلامبول بوده سمت تحریر یافته و در تاریخ ۲۴ شعبان ۱۳۲۲ (۲۱ خرداد ۱۲۷۴ شمسی) ادیب الممالک فراهانی شاعر استاد مقدمه ای بیارسی سره بر این دیوان نوشته و در پایان چنین گفته است:

«... و نیز بیاید دانست که این گنج گوهر گرانها را بنده درگاه که



با چنامه و نام و نژادم (محمدصادق الحسینی) و خمر و (زانیچم) مرز (مهرآباد) و خاک فراهان است بروزگار دراز بارنج و کوشش بیکران بدست آورده و هر چامه آنرا از نامه گرد و فراهم ساخته و یادگاری نغز و شگرف جاودان از خویش در انجمن دانشیان بجای نهاد. بویژه آنکه چنین گمنامی از پرتو نام فرخ میرنویان نام خود را در جهان نیکوئی خنیده کرد و تارستخیز همینم بس که خوانندگان این دیوان گردآورنده آنرا از دوستان آن داور بختیار شناسنده بهره و نابهرة زر سخن شمارند و بفرخی این رشته مروارید و بندگوهر سرخ و سفید را «گوهرخاوری» نام نهاد. امید که جاودان بجا ماناد.

اگر تو ژرف یکی بنگری بدین نامه  
 بزرگ مردکسی کاینچنین سخن راند  
 یکی نگاری گوئی رسیده از فردوس  
 ز مشک مویش و مرغوله آبدش از سنبل  
 هزار نایفه چین زیر موی کرده نهان  
 امیرنویان آورده است این فرجود  
 خدایگان بزرگان که جاودانه از او  
 ستاره خوارد براد مردیش سوگند  
 به پیش کلکش بالای راست تیردیر  
 در روز ماه چهارشنبه بیست و چهارم شعبان سالماه هزار و سیصد و بیست و دو از سال کوچی تازیان برهنه روز بیست و یکم خرداد ماه هزار و دو بیست و هفتاد و چهار باستانی یزدگردی انجام پذیرفت. ادیب الممالک محمد صادق الحسینی.

تاریخ انشاء و ختم دیوان گوهرخاوری را نیز ادیب الممالک در قطعه ای نغز و پرمغز چنین آورده است:

گوهر خاوری است این دیوان  
 نامه در ضیا چو مهر منیر  
 اثر کلك دانش است که یافت  
 که بود رشك گوهر عمان  
 چامه در صفا چو آب روان  
 چون خضر ره بچشمه حیوان

بحر همت پرنس صلح طلب  
ارفع الدوله آنکه از رفعت  
در سخاوت گذشته از حاتم  
نام او زخم ننگ را مرهم  
شاد زی ای یگانه آفاق  
چو پایان رسید این دفتر  
از امیری بخواستم تاریخ  
گفت تاریخ ختم انشایش  
هم به تاریخ طبع آن بنگاشت

میر نویان فیلسوف جهان  
زده بر باب فضل شادروان  
در فصاحت فزوده بر حسان  
صلح او درد جنگ را درمان  
شاد زی ای خلاصه دوران  
که بود قدر ذوق را میزان  
بهر انشاء و طبع این دیوان  
سزد از طبع «گوهر غلطان» ۱۳۲۱  
«خاوری گوهر آورد وجدان» ۱۳۲۳

در دیوان گوهر خاوری بجز اشعار پرنس ارفع صورت اسناد و احکام  
او بزبان فارسی و فرانسه و روسی نیز آورده شده است . پرنس ارفع دیوان  
شعر دیگری نیز بنام مثنوی طول عمر شامل دو بیت دارد که در سال ۱۳۱۴  
شمسی در مطبعه سپهر تهران جزء نشریات روزنامه توفیق در ۵۵ صفحه چاپ  
شده است . پشت جلد کتاب مثنوی طول عمر این دو بیت شعر از اشعار پرنس  
دیده میشود :

شد در این مختصر رساله بیان  
تا بدانی که هست در گیتی  
طول عمر طبیعی انسان  
مرد هفتاد و پنج ساله جوان  
داخل جلد نیز این دو بیت چاپ شده :

کلک دانش برای نوع بشر  
شد در این مختصر رساله بیان  
این دو صد بیت را نهاد اثر  
طول عمر طبیعی انسان  
در اینجا بی مناسبت نمیداند که چند بیت از مثنوی گوهر خاوری  
سروده پرنس نیز آورده شود :

سزد آن را ثنا که در همه حال  
نه مر او را شریک و همپایه  
آن خداوند قادر بیچون  
کرد در چرخ نیلگون دوار  
در مدیحش زبان دانش لال  
ذات پاکش مصون بود ز زوال  
ملک او را نه حدنه همسایه  
کافرید این سپهر بوقلمون  
صد هزاران شمس با اقمار  
که بود برتر از قیاس و خیال

به کدامین زبان کنم تقریر  
آنکه جان آفرید و دانش داد  
عقل را کرد رهنمای بشر  
بهرالفت میان فرقه ناس  
زافرینش که انبیا و رسل  
در هر نکته را که بر سفتند

شکر انعام آن قدیم و قدیر  
منطق و گوش و هوش و بینش داد  
تا دهد فرق خیر را از شر  
رحم و انصاف را نهاد اساس  
عقل کلند و هادیان سبل  
اول انصاف و رحم را گفتند.... الخ

در پایان کتاب گوهرخاوری ضمن نقل گزارش کنفرانسهای مختلفی که پرنس در آنها شرکت نموده مینویسد ... «انجمنهای اروپ و فضلی فرانسه و بلژیک اورا به لقب «پرنس صلح» مخاطب کرده ، پرنس و سسینوسکی رئیس انجمن صلح خواتین عالم اورا حامی و رئیس افتخاری دائمی انجمن مزبور منتخب نموده و انجمن صلح بین المللی بلژیک رئیس افتخاری خودمعین نموده و از طرف انجمن تصویرش را بقلم یکی از نقاشهای معروف بلژیک پیراسته . قدیمیترین دارالفنونهای اروپ که عبارت از (اونیورسیتته لوون) است که پانصد سال قبل براین (ژان کاتردبرابان) بنای آنرا نهاده اورا بلقب حکیم ادبیات ملقب ساخته و آکادمی کوکسامبورگ اورا بعضویت آن انجمن عالی انتخاب نموده است» .

درخاتمه بخش اول اینمقال یکی از احکام سفیرگیری پرنس ارفع را که به عهد مظفردینشاه قاجار و بامضای اوست میآوریم :

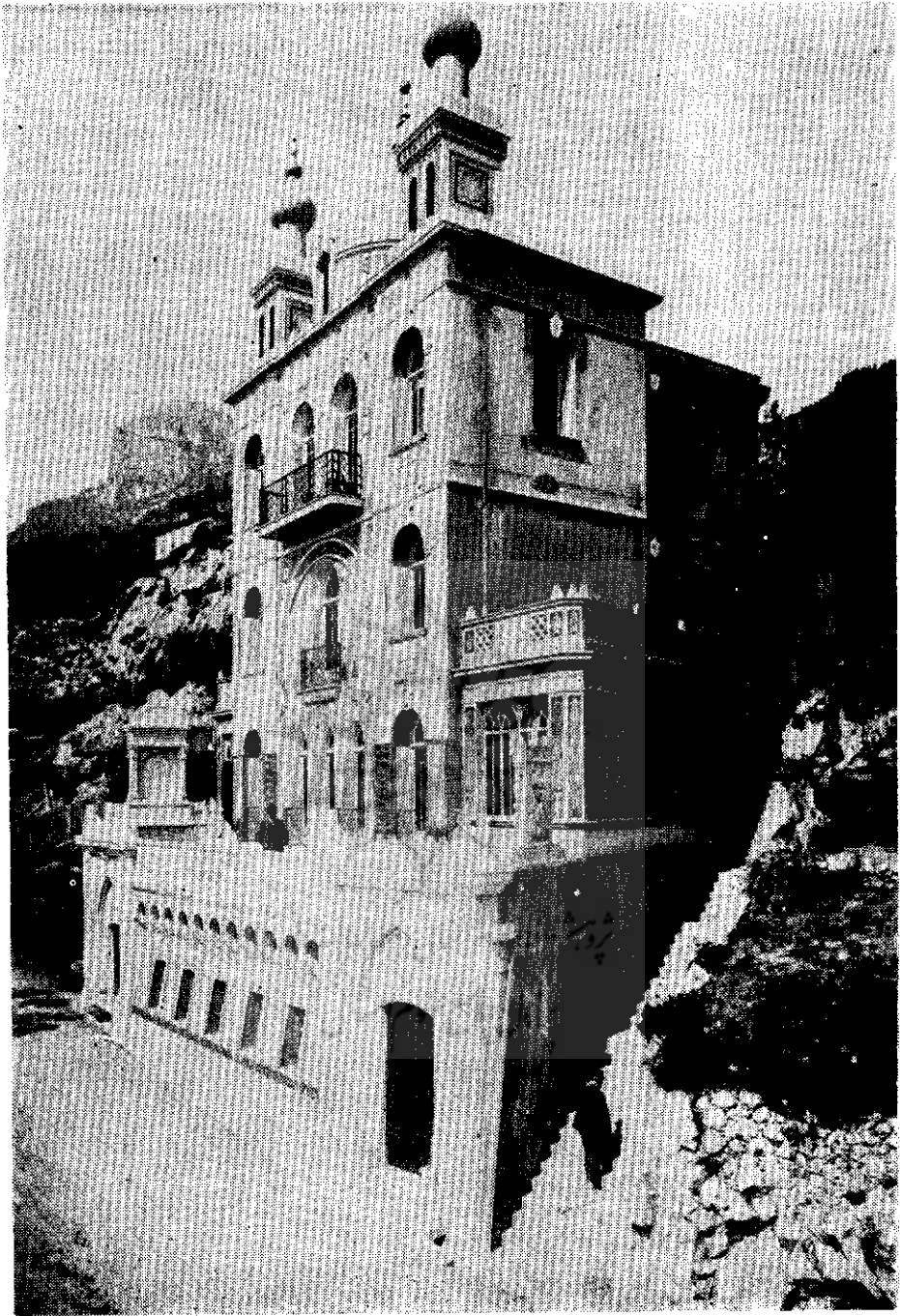
«پرنس ارفع الدوله خدمات قدیمه و جدیده که در مأموریتهای عدیده فرنگستان و غیره کرده اید جناب اشرف امین السلطان اتابک اعظم و مشیرالدوله وزیر امور خارجه مکرر بعرض حضور همایون رسانیدند ما خودمان هم درسفر فرنگستان مشاهده فرمودیم . کفایت و دولتخواهی شما که درمواقع کثیره ظهور یافت و متضمن خیرخواهی دولت و ملت بود موجب رضا و خشنودی خاطر خطیر ملوکانه گردید خواستیم باز از خدمات چندین ساله بذل عاطفتی شایان فرموده باشیم که قرین مفاخرت بین الاقرا ن گردید لهذا باقتضای رای عدالت پیرای خسروانه آن دولتخواه را بسمت سفیرگیری که از مأموریتهای



خانم فاطمه ارفع دختر مرحوم پرنس ارفع الدوله که منزل مرحوم پدرش رادر مناكو ميادل بيك موزه به نام « خانۀ اصفهان » کرده است ، در کنار خانم ارفع گل سرخ اصفهان وبالای سرش نيسز يك تابلوی کاشیکاری نفيس کار هنرمندان اصفهان ديده ميشود .  
نشریه دانشکده ادبيات اصفهان



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



« خانۀ اصفهان » در شهر میناکو در سال ۱۹۱۳ م . ( ۱۳۹۱ خ )  
نشریۀ دانشکدۀ ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

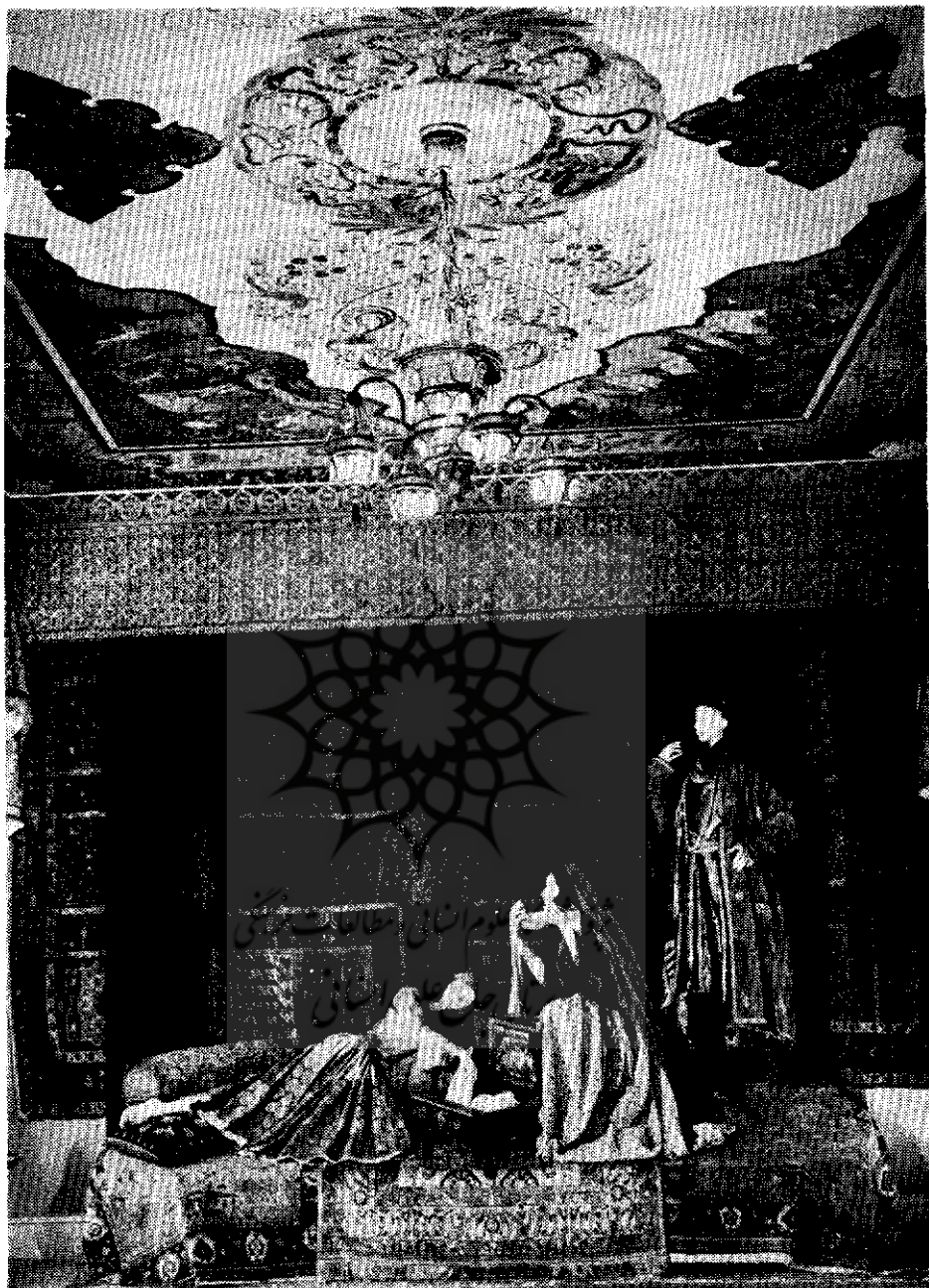


تصویر داخلی یکی از اطاقهای موزه « خانه اصفهان »  
نشریه دانشکده ادبیات اصفهان





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



تصویر داخلی تالار بزرگ که در آن دکوراسیونهای زیبایی درست کرده‌اند و لباسهای گرانبها بافت و دوخت هنرمندان اصفهانی را بر تن مانکنها نموده‌اند، در این عکس همچنین فرشهای ابریشمی قیمتی دیده میشود؛ نقاشیهای سقف تالار نیز زیبا و دیدنی است.  
 نشریه دانشکده ادبیات اصفهان



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

بزرگ دولتی است باقامت در دربار دولت علیه عثمانیه منصوب نمودیم که مکنونات قلبیه ما را بطوریکه اطلاع دارد درتزیید اتحاد وموالات بین الدولتین مساعی موفوره بعمل آورده بنیان مسالمت و مصافات را فیما بین این دولت چنان محکم واستوار نماید که بخواست خدا الی الابد پاینده و برقرار باشد .  
حرره فی شهر ربیع الاول ۱۳۱۹ مظفرالدینشاه» .

### خانه اصفهان :

پس از آنکه پرنس ارفع از خدمات دولتی دست بشست و (باقتضای بازنشستگی نائل آمد) قرارگاهی درموناکو فراهم آورد و منزلی بسبک منازل شرقی و بخصوص خانه‌های اصفهان ساخت . این منزل درسال ۱۹۱۲ برابر با ۱۲۹۱ شمسی پایان پذیرفت و پرنس تا اواخر عمر خودرا در آن گذرانید .  
موناکو یکی از نقاط بسیار خوش آب و هوای اروپاست و از نظر آنکه اغلب کنفرانسهای بزرگ در این نقطه تشکیل شده و پرنس نیز در این کنفرانس ها شرکت مینموده لذا این نقطه را برای سکونت دائمی ایام آخر عمر خود انتخاب نموده است .

پس از فوت پرنس - فاطمه دخترش که هم اکنون خانم سفیر کبیر فرانسه در اوروگوئه<sup>۱</sup> است باکمک آقای دکتر عدل وزیرمختار ایران در فرانسه که خدایش جزای خیر دهد خانه او را بصورت موزه‌ای زیبا درآورد و قالی و قالیچه ها ، نشانها ، مدالها ، احکام و بسیاری از اشیاء اختصاصی پرنس را در داخل ویرینها و راهروها قرارداده‌اند . خانه اصفهان هم اکنون درآندیار زیارتگاه مشتاقان و صاحب‌دلان شده و خارجیان علاقمندی که به موناکو میروند از این خانه زیبا و موزه نفیس و کوچک آن که بوئی تمام از رنگ و روی شرقی دارد دیدن میکنند .

در طرفین پله های ورودی ساختمان که از سنگ مرمر سفید گل و بوته‌دار ساخته شده کلکسیون از پلاکهای یادبود که وسیله ۴۶ دولت که در کنگره صلح «هایی» HAYE در سال های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ گرد آمده بودند

دیده میشود، بالای این پلاکها دو اثر نقاشی از نقاش معروف ایتالیائی « Le compte de Gubernatis » لوکنت دو گوبرناتیس « نصب گردیده و به دیواره های آن دیپلم ها و نامه هائی که بزرگان و سلاطین به پرنس نوشته اند ملصق شده است . درطاقچه ها قالیچه های ابریشمین زیبا کوبیده شده است . در ویتترین هائی که در داخل اطاقها گذاشته اند عکسهای مختلف ، بشقاب چینی مزین به تمثال مظفرالدینشاه که بمناسبت مسافرت او به روسیه تهیه شده ، نامه ها و احکام ناصرالدینشاه و مظفرالدینشاه که بمناسبت مسافرت آنها به روسیه تهیه شده ، احکام مختلفه ناصرالدین شاه و مظفرالدینشاه ، نامه ای از تولستوی ، صندوقی بزرگ محتوی جزوات خطی قرآن کریم که در قرن نهم نوشته شده ، قلمدانهای نفیس و زیبا ، تابلوهای گرانبها ، قطعه ای از پرده زربفت خانه کعبه ، پارچه های مخمل گلدوزی شده کار هنرمندان ایرانی ، مرقعات خوشنویسان مینیاتورهای زیبا، کار هنرمندان اصفهانی، تابلوهای زیبای کاشی، يك جلد کتاب خطی شاهنامه که تقریباً حوالی سال ۱۱۹۰ شمسی نوشته شده و آثار گرانبهای دیگری در این موزه بچشم میخورد و امیدواریم یا خوانندگان محترم را فرصتی پیش آید که از این موزه دیدن کنند یا نگارنده را توفیق رفیق گردد تا شرح کاملی از این موزه برشته تحریر درآورد .